

دو. با جنگ در مقابل طالبان - که تنها نیروی نظامی در حال جنگ با امریکا در افغانستان بود - آن را تضعیف کند.

سه. به جمهوری اسلامی ایران ضربه وارد کند.

چهار. از طریق آسیای مرکزی و سین کیانگ، روسیه و چین را آسیب پذیر کند. به همین دلیل امریکا و سیستم امریکایی حاکم بر دستگاه امنیتی افغانستان می توانستند با استفاده حساب شده از تحرکات داعش به موفقیت های بزرگی برسند و این گونه بود که مجموعه ای از اتفاقات مشکوک حاکی از ارتباط میان این دو مشاهده شد، البته این استفاده حساب شده لزوماً به معنی ارتباط مستقیم نیست بلکه به معنی مجموعه ای از کنش هاست که نهایتاً هدف امریکا را محقق سازد (که در برخی موارد ممکن است شامل ضربه زدن جهت جلوگیری از رشد بیش از حد نیز باشد یا سکوت در مقابل برخی تحرکات).

به هر روی داعش خراسان مانند داعش مرکزی به تکفیر هرآنکه غیر از خود دست می زد و به صورت ویژه هم شیعه و ایران و طالبان و علمای طرفدار طالبان و ضد داعش را مورد هدف تکفیر و تخاصم خود قرار داده بود (چندین کتاب از سوی طالبان و داعش بر ضد یکدیگر منتشر شد از جمله کتاب «حقیقت خوارج معاصر» که طالبان بر ضد داعش منتشر کرد).

فعالیت داعش خراسان بدون حمایت حداقل حلقه هایی خاص در سیستم امنیتی افغانستان و نیز امریکایی ها در پشت صحنه میسر نبوده است. از ابتدای

تظاهرات ضد امریکایی
در کنار نماد قدس در کابل

